

مقدمه:

یکی از اساسی ترین نیازهای همیشگی بشر، مسئله امنیت بوده است. که در عصر حاضر با پیشرفت جوامع و افزایش رویدادهای بشری، این نیاز بیش از پیش احساس می شود. مقوله امنیت تا بدان حد ضروری و مهم است که در متون الهی و اسلامی از آن به عظیم ترین نعمت الهی یاد شده و حیات بشر بدون آن میسر نخواهد بود. (خوزین، 1399، ص 36)

هر زمان سخن از امنیت شود، آنچه در ذهن می آید امنیت جان و مال است؛ درحالی که امنیت دارای سطوح گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، روحی، معنوی و... است، که برای تامین امنیت، باید به همه ابعاد آن توجه داشت. بعد معنوی امنیت، اصل و مبنای تمامی ابعاد امنیت است، که عموماً از نگاه افراد مغفول مانده است، ولی در منابع اسلامی، چه در قرآن و روایات و چه به طور خاص، در نهج البلاغه اشارات فراوانی به این بعد از امنیت شده است که نوشتار حاضر به تبیین آن از دیدگاه امیرالمومنین(ع)، می پردازد.

از منظر نهج البلاغه امنیت در سطح معنوی، زمینه ساز ایجاد امنیت در سایر سطوح است، لذا این مصحف شریف این سطح امنیت را بیش از سایر سطوح مورد تاکید قرار داده است. (خان احمدی، 1391، ص 182) در امنیت معنوی روح انسان با پرداختن صحیح به امور معنوی، به سان دژ مستحکمی می شود که ورود شیاطین و وسواس نفسانی را به آن غیرممکن می کند. (ر.ک: دولتی، 1391، ص 22) و مومن اگرچه ممکن است در دنیا به ابتلائات و ناامنی های ظاهری دچار شود، ولی قلباً و به پشتوانه مدد الهی دارای امنیت و آرامش معنوی است. (اخوان کاظمی، 1388، ص 103)

درباره پیشینه پژوهش باید گفت که در زمینه امنیت معنوی در نهج البلاغه تالیفات مستقلی صورت نگرفته است ولی ذیل عنوان عام امنیت، به این موضوع در قرآن و روایات پرداخته شده، مثل «امنیت نرم و معنوی در دیدگاه قرآن و پیامبر» عبدالحمید افراخته، «امنیت اجتماعی از امیرالمومنین منظر امام علی (ع)» کریم دولتی، ایشان امنیت معنوی را جدا از دیگر سطوح امنیت و امری کاملاً روحانی دانسته است و صرفاً به ذکر عوامل ایجاد امنیت معنوی در نهج البلاغه، بسنده کرده اند. در دو مقاله «امنیت، ابعاد و سازوکارهای تامین آن در روایات»، «امنیت و ابعاد آن در قرآن»، بهرام اخوان کاظمی در تحقیق خود، همه ابعاد امنیت را تعریف و سازوکارهای تامین آن را بر اساس قرآن و روایات جمع آوری کردند. ایشان ایمان و امنیت معنوی را سرچشمه کلیه ابعاد امنیت دانسته و معتقدند هرگونه امنیتی و در هر بعد از آن در نهایت ریشه در ایمان و اعتقادات معنوی و الهی دارد. در مقاله «امنیت از دیدگاه امام علی علیه السلام» محمدمهدی بهداروند، تمام ابعاد امنیت را با هم مرتبط دانسته و حکمفرمایی امنیت معنوی را در جامعه، عمده ترین هدف انبیا معرفی کرده،

همچنین از دیدگاه امام علی (ع)، عامل اصلی تامین امنیت معنوی را، ارتباط و مناجات با خدای متعال دانسته اند.

لذا با توجه به اینکه نهج البلاغه و کلام امیرالمومنین(ع)، از مطالب هدایتگر و ارزشمندی در تبیین مسائل انسانی برخوردار است، در این نوشتار، بار دیگر با نگاهی جامع تر و اختصاصی، مسئله امنیت معنوی که گم شده عصر حاضر است به این کتاب سعادتبخش ارائه شده تا پاسخی در خورد به این پرسش ها دهد که :

امنیت معنوی به چه معناست ؟ عوامل ایجاد امنیت معنوی از منظر امیرالمومنین(ع) در نهج البلاغه چیست؟

پژوهش حاضر، با بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای، سامان یافته است. و مهمترین منبع برای جمع آوری داده ها کتاب نهج البلاغه و همچنین تفاسیر آن بوده است. و شامل دو محور اصلی مفهوم شناسی امنیت معنوی و راهکار های تامین آن از منظر امیرالمومنین با رویکرد نهج البلاغه است.

مفهوم شناسی:

امنیت:

ریشه لغوی واژه «امنیت» از ثلاثی مجرد امن، به معنای سکون (مصطفوی، 1360، ج 1، ص 149)، طمانینه نفس و از بین رفتن ترس (راغب اصفهانی، 1412ق، ص 90) و وحشت و اضطراب (مصطفوی، 1360، ج 1، ص 149) گرفته شده است. امنیت در زبان فارسی نیز معنای در امان بودن، بی بیمی (معین، 1362: ص 122) و آرامش (عمید، 1389، ص 171) میدهد. بنابراین در مفهوم لغوی این کلمه، دو جنبه سلبی و ایجابی برای آن ترسیم شده، از سویی به وجود آرامش و اطمینان و از سویی به نفی ترس و اضطراب و نا آرامی اشاره دارد که در کنار هم مفهوم «امنیت» را شکل میدهند. (رک: دولتی، 1391، ص 16)

برخلاف اجماع در تعریف لغوی امنیت، از نظر اصطلاحی، امنیت دارای مفهوم پیچیده ای است که تعریف واحدی از آن ارائه نشده است. یکی از روش های تعریف امنیت، تجزیه امنیت به سطوح آن است که شامل : امنیت نظامی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، روحی، معنوی و... می باشد.

یکی از بهترین تعریف هایی که از امنیت معنوی شده، این فراز از خطبه امیرالمومنین (ع) می باشد، حضرت هنگام بدرقه ابودر به محل تبعیدشان اینگونه فرمودند: « وَ لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ كَانَتَا عَلَى عَئِدٍ رَتَقًا ثُمَّ إِنِّي وَاللَّهِ لَجَعَلُ اللَّهُ لَهُ مِنْهُمَا مَخْرَجًا لَا يُؤْنِسُنَّكَ إِلَّا الْحَقُّ وَ لَا يُوحِشُنَّكَ إِلَّا الْبَاطِلُ »

(خطبه/ 130)؛ اگر آسمان و زمین درهای خود را بر روی بنده‌ای ببندند و او از خدا بترسد، خداوند راه نجاتی از میان آن دو برای او خواهد گشود، آرامش خود را تنها در حق جستجو کن و جز باطل چیزی تو را به وحشت نیندازد.

بر اساس این کلام حضرت، برقراری امنیت معنوی، به معنای این است که مومن اگر با ترس از خدا، به دستورات الهی بپردازد و از نواهی او دوری جوید، و به تنها رب عالم که تمام امور به دست اوست توکل کند، در ترس‌ها و ناآرامی‌ها و مشکلات دنیا، دارای اطمینان نفس و آرامش خواهد بود و با پناه به خداوند، هیچ اضطراب و واهمه‌ای را به خود، راه نخواهد داد.

تامین این سطح از امنیت در افراد، منجر به برقراری تمام سطوح آن در جامعه می‌شود، از این رو عامل مهمی در جوامع بشری به شمار می‌آید، در ادامه به تعدادی از راهکارهای مهم تامین امنیت معنوی اشاره می‌شود.

عوامل امنیت معنوی:

از آنجا که امنیت معنوی ریشه در ایمان افراد دارد و ایمان مبنای دین است، گویا برای برقراری امنیت معنوی باید تمام ارکان دین را عمل کرد و ایمان واقعی را در خود پیاده کرد، بنابراین برای رسیدن به امنیت معنوی باید به دنبال شرایط تحقق ایمان واقعی بود. این نوشتار در صدد بیان مهمترین راهکارهای تامین امنیت معنوی است که به شرح زیر می‌آید:

1. اعتقاد به توحید افعالی (دانستن اینکه همه کارها دست خداست)

با علم به اینکه تدبیر تمام امور عالم تنها به دست یک نفر هست و آن یک نفر خداست، دیگر جای هیچ ترس و اضطرابی نخواهد ماند، بنابراین ایمان قلبی به توحید افعالی پروردگار از جمله مهمترین راهکارها، برای تامین امنیت معنوی است، چنانچه امیرالمومنین فرموده اند: «كُلُّ شَيْءٍ خَاشِعٌ لَهُ وَ كُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ، غَنَى كُلِّ قَقِيرٍ وَ عَزَّ كُلُّ دَلِيلٍ وَ قُوَّةُ كُلِّ ضَعِيفٍ وَ مَفْرَعُ كُلِّ مَلْهُوفٍ» (خطبه/ 109)؛ همه چیز برابر خدا خاشع و همه چیز با یاری او، بر جای مانده است، خدا بی نیاز کننده هر نیازمند و عزت بخش هر خوار و ذلیل و نیروی هر ناتوان و پناهگاه هر مصیبت زده است. این کلام حضرت اشاره به این مسئله دارد که انسان مستقل نبوده و دائماً محتاج است چه در وجود خود و چه در دیگر امور زندگی اش در هر لحظه از زندگی وابسته به یک واجب الوجود مستقل است؛ که تنها واجب الوجود مستقل در عالم، خداوند متعال است که همه امور عالم به دست او انجام می‌شود، از این رو فرد ناآرام و مضطرب راهی برای تامین امنیت معنوی خود جز پناه بردن به آن وجود مستقل ندارد (رک: نواب لاهیجی، بی تا، ص 110) و از آنجا که میدانند او کمال مطلق است، و خللی در کار او نیست، و بهترین نظام ممکن را برای انسان مهیا کرده است، هیچ واهمه‌ای به خود راه نمی‌دهد، و یا فرموده اند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ... كَاشَفَ كُلَّ عَظِيمَةٍ وَ

اَزْل» (خطبه / 83)؛ ستایش خداوندی را سزاست ... که دفع کننده تمام بلاها و گرفتاری‌ها (است). بدیهی است غیر از خداوند - به خاطر اینکه قدرتش محدود است - قادر بر دفع هیچ بلا و مصیبتی نیست! تنها ذات پاک خداست که با قدرت نامحدودش هرگونه توانی را دارد. (مکارم شیرازی، (1375)، ج 3، ص 335) بنابر این سخن حضرت، فرد مومن هنگام ترس‌ها و اضطراب‌ها به خداوند متعال پناه می‌برد و خداوند همه آنها را برطرف می‌کند و دیگر جای هیچ ناآرامی و وا همه ای نیست، «إِلَيْهِ مَرَامِي مَفْرَعِكُمْ» (خطبه / 198)؛ و به هنگام ترس و وحشت، او پناهگاه شماست. این یعنی برقراری امنیت معنوی به واسطه ایمان به خداوند، چرا که او مبدا المبادی و غایت الغایاتست. (نواب لاهیجی، (بی تا)، ص 182). یعنی در ناامنی‌ها تنها کسی که می‌تواند آرامش بخش باشد و ایمنی دهنده کسی است که تمام امور عالم به دست اوست و او به وجود آورنده و هدف نهایی تمام عالمیان است. در قرآن هم به این نکته اشاره شده که تنها کسی که می‌تواند مشکلات را برطرف کند، خداوند متعال است: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يُكَشِفُ السُّوءَ» (نمل / 62)؛ یا آنکه وقتی درمانده ای او را بخواند اجابت می‌کند و آسیب و گرفتاریش را دفع می‌نماید.

امام در جای دیگر هم به این نکته فرموده اند کسی که به خدا پناه برد در امان خواهد بود: «قَائِنَ جَارَ اللَّهِ آمِنٌ» (خطبه / 147) و منظور از این پناه بردن به خداوند، یعنی کسی به وسیله طاعت و بندگی، به خدا تقرب جوید، آن وقت دارای امنیت خواهد بود. (ابن میثم، (1375)، ج 3، ص 373)

2. توکل:

از دیگر راهکارهایی که در نهج البلاغه جهت تامین امنیت معنوی بیان شده، توکل بر تنها گرداننده ی عالم است، امیرالمومنین درباره دوستان خدا می‌فرمایند که: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَسْنُ الْأَيْسِينَ لِأَوْلِيَائِكَ وَ أَحْضَرُهُمْ بِالْكَفَايَةِ لِلْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ تُشَاهِدُهُمْ فِي سَرَائِرِهِمْ وَ تَطَّلِعُ عَلَيْهِمْ فِي صَمَائِرِهِمْ وَ تَعْلَمُ مَبْلَغَ بَصَائِرِهِمْ فَاسْرَأْرُهُمْ لَكَ مَكْشُوفَةٌ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَيْكَ مَلْهُوقَةٌ. إِنْ أَوْحَشْتَهُمُ الْعُرْبَةَ آتَيْتَهُمْ ذِكْرَكَ وَ إِنْ صَبَّتْ عَلَيْهِمُ الْمَصَائِبُ لَجَأُوا إِلَى الْإِسْتِجَارَةِ بِكَ عِلْمًا بِأَنَّ أَرْمَةَ الْأُمُورِ بِيَدِكَ وَ مَصَادِرَهَا عَنْ قَصَائِكَ» (خطبه / 227)؛ خدایا! تو با دوستانت از همه انس گیرنده تری، و بر طرف کننده نیازهای توکل کنندگانی، بر اسرار پنهانشان آگاه، و به آنچه در دل دارند آشنایی، و از دیدگاه‌های آنان با خبر، و رازشان نزد تو آشکار، و دل‌های شان در حسرت دیدار تو داغدار است، اگر تنهایی و غربت به وحشتشان اندازد یاد تو آرامشان می‌کند، اگر مصیبت‌ها بر آنان فرود آید، به تو پناه می‌برند، و روی به درگاه تو دارند، زیرا می‌دانند که سر رشته کارها به دست توست، و همه کارها از خواست تو نشأت می‌گیرد. از آنجا که خداوند متعال بی نیاز مطلق است و بخشنده ای است که هیچ گونه منع و بخلی در ذاتش متصور نیست و همچنین به نیازمندی و استحقاق اهل توکل، آگاهی کامل دارد، از نظر رسیدگی به کارهای اولیای خود و اصلاح امور آن‌ها از همه مصلحان استوارتر و سریعتر است. (رک: ابن میثم، (1375)، ج 4، ص 173) در

این خطبه حضرت، کسانی را که دارای دو صفت اولیا الهی و توکل باشند را مشمول نعمت آرامش بخشی توسط خداوند و حل مشکلاتشان توسط او می‌داند. (رک: مکارم شیرازی، (1375)، ج 8، ص 458) و از آنجا که حل مشکلات منوط به آگاهی بر افراد است (همان)، حضرت اشاره میکنند که تنها خداوند است که اسرار و نیت انسان باخبر است، به همین دلیل اولیا الله و متوکلان همواره به او اعتماد کرده و به او پناه می‌برند، و دیده خود را از غیر خداوند قطع کرده‌اند چون دوستان خدا می‌دانند که تمام کارها بسته به عللی است که در تصرف قدرت کامله خدا و به دستور او و به قضا و قدر اوست (رک: ابن میثم، (1375)، ج 4، ص 175) به همین دلیل نه در برابر مشکلات احساس تنهایی می‌کند و نه در تنهایی احساس غربت. (مکارم شیرازی، (1375)، ج 8، ص 459)

امام (ع) در آغاز خطبه شریفه «غزاء» در حمد و ثنای الهی می‌فرمایند: «وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ كَافِيًا تَاصِرًا» (خطبه/ 83)؛ و به او توکل می‌کنم چون تنها یاور و کفایت کننده است. در این عبارت کافی یعنی خداوند به هر کدام از بندگانش آنچه را که استحقاق داشته باشند، به آنان عطا میکند. (رک: ابن میثم، (1375)، ج 2، ص 500) و ناصر یعنی اینکه تنها خداست که در هنگام توکل کردن به او یاری دهنده است (شریف الرضی، (1378)، ج 1، ص 345) واضح است که حق تعالی با دارا بودن این صفات منشأ توکل بندگان است و انسانهای مؤمن گشایش کار خود را به دست خداوند دانسته‌اند و امور خود را بدو وا می‌گذارند. (ابن میثم، (1375)، ج 2، ص 500)

3. دعا:

عاملی دیگر برای تامین امنیت معنوی دعا و مناجات است، حضرت می‌فرمایند: «وَأَدْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِالْدُّعَاءِ» (حکمت/ 146)؛ و امواج پلا را با دعا از خود برانید. در این باره امام سجاد (ع)، می‌فرمایند: «الدُّعَاءُ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَ مَا لَمْ يَنْزِلْ»؛ دعا بلایی را که نازل شده است دفع می‌کند و همچنین بلایی را که نازل نشده است. (کافی، (1407ق)، ج 2، ص 469، ح 5) پس در این صورت شخص واهمه مشکلات و نا آرامی‌ها را نخواهد داشت، چرا که مشکلات خویش را به دست گشاینده تمام سختی‌ها سپرده است.

4. تقوا و پرهیزکاری:

از جمله مهمترین عوامل تامین امنیت معنوی، پرهیزکاری است، چرا که معنای وسیعی را در گستره دین شامل می‌شود به این صورت که مجموع چندین ویژگی، تقوا را تشکیل می‌دهد. امام علی (ع) نیز، در فرازهای متعددی با ذکر نتایج متقی بودن، به تاثیر تقوا در ایجاد امنیت معنوی اشاره کرده‌اند.

حضرت در خطبه 157، در بیان ضرورت تقوا، آن دژ مستحکمی را که سبب ایجاد امنیت معنوی می شود، تقوا معرفی کردند، و رله غیر آن را، ناامنی و ناپایداری دانسته اند. ایشان می فرمایند: «اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ التَّقْوَى دَارُ حِصْنٍ عَزِيزٍ وَ الْفُجُورَ دَارُ حِصْنٍ ذَلِيلٍ لَا يَمْتَعُ أَهْلُهُ وَ لَا يُخْرِزُ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ» (خطبه/ 157)؛ ای بندگان خدا! بدانید که تقوا، دژی محکم و شکست ناپذیر است، اما هرزگی و گناه، خانه‌ای در حال فرو ریختن و خوار کننده است که از ساکنان خود دفاع نخواهد کرد، و کسی که بدان پناه برد در امان نیست. ایشان برای تقوا از واژه «دار الحصینه» به معنای «سرای استوار» استفاده کرده اند، یعنی هر کس به آن تحصن جوید، نیرومند می گردد، زیرا تقوا نفس را در حصار خود قرار می دهد (رک: ابن میثم، (1375)، ج 3، ص 489) و در دنیا آن را از انجام رذائل نفسانی و گناهان و در آخرت از ذلت و خواری و گرفتاری به پیامدهای نامطلوب آن گناهان، او را محافظت می کند. (رک: مدرس وحید، (بی تا)، ج 10، ص 199 و رک: مکارم شیرازی، (1375)، ج 6، ص 173)

در جای دیگر حضرت می فرمایند: «فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ ... أَمْنٌ قَرَعَ جَاشِكُمْ» (خطبه/ 198)؛ همانا تقوا و ترس از خدا، امنیت در ناآرامی هاست. در این عبارت هم، حضرت تقوی را مایه امان دانستند، چرا که بزرگترین ترس و منشا ناآرامی انسان در دنیا، مرگ و موجبات آن است، که پرهیزکاران، از بیم مرگ فارغ اند و آن را وسیله وصول به لقای برترین محبوبشان می دانند. (رک: ابن میثم، (1375)، ج 3، ص 811)

حضرت در عبارتی دیگر، به طور خاص تاکید بر تاثیر تقوا در امنیت این دنیا دارند و می فرمایند: «فَإِنَّ التَّقْوَى فِي الْيَوْمِ الْحِزْرُ وَ الْجَنَّةُ» (خطبه/ 191)؛ زیرا تقوی در امروز پناه و سپر است. چنان که در قرآن هم آمده: «وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»¹. در شرح این عبارت مکارم شیرازی، علت ناآرامی ها و تلخ کامی های این دنیا را گناه و خروج از جاده عدل و انصاف دانسته، که تقوا سبب می شود انسان از ارتکاب به گناه و عواقب دردناک آن رهایی یابد و زندگی اش در دنیا توام با آرامش و سعادت باشد. (رک: مکارم شیرازی، (1375)، ج 7، ص 331) ابن میثم در شرح این کلام حضرت: «فَمَنْ أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوهَا» (خطبه/ 198)؛ پس کسی که تقوا را انتخاب کند، سختی‌ها از او دور گردند. معتقد است که تقوا علاوه بر رفع عذاب اخروی، بدین جهت از مشکلات دنیا جلوگیری می کند که، پرهیزگاران بیش از کسان دیگر از بدی ها و شرور دیگران سالم و در امان اند، زیرا آنان خود را از آمیختگی با مردم به دور داشته و به خاطر متاع دنیا با آنها کشمکش و نزاعی ندارند، و همچنین بدین سبب که دنیا را دشمن می‌دارند، زیرا دوستی و حرص دنیا سرچشمه تمامی بدی ها و سختی هاست. (رک: ابن میثم، (1375)، ج 3، ص 815)

¹ سوره طلاق (۶۵) آیه‌های (۲ و ۳) یعنی: هر کس پرهیزکار شود خدا راه بیرون شدن از بلا را برایش می‌گشاید و از جایی که گمان نبرد به او روزی عطا می‌کند و هر که بر خدا توکل کند، خدا او را کفایت کند.

باید گفت که یکی از عوامل نا امنی معنوی و عدم آرامش، ترس از قیامت و عذاب های آن روز است، که حضرت راه امنیت از روز قیامت و ترس های آن روز بزرگ را هم، تربیت نفس به وسیله تقوا، معرفی کرده اند: «وَإِنَّمَا هِيَ تَفْسِي أَرَوْضُهَا بِالتَّقْوَى لِيَأْتِيَ أَمِنَةً يَوْمَ الْخَوْفِ الْأَكْبَرِ وَ تَثْبُتَ عَلَي جَوَائِبِ الْمَرْلَقِ» (نامه/ 45)؛ من نفس خود را با پرهیزکاری می‌پرورانم، تا در روز قیامت که هراسناک‌ترین روزهاست در امان، و در لغزشگاه‌های آن ثابت قدم باشم. در حقیقت معنای عبارت با توجه به ضمیر «هی» به این صورت است: تنها همت و حاجت من تمرین و تربیت نفسم به تقواست. (ابن میثم، 1375)، ج 5، ص 181) و منظور از پارسایی واقعی یعنی دوری قلب از متاع دنیا و خوشی‌ها و لذایذ و همچنین عبادت آمیخته با اندیشه و تفکر در ملکوت آسمان و زمین و مخلوقات خدا و عظمت آفریدگار پاک و کارهای شایسته با نیت خالص برای رضای خدا (ابن میثم، 1375)، ج 5، ص 182) است، که موجب راحتی و امنیت در آخرت و سبب قرب به ملا اعلی هستند. (رک: شریف الرضی 1378)، ج 2، ص 436) این سخن حضرت هم، در واقع برگرفته از قرآن مجید است که می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ»؛ (آری،) آنها که ایمان آوردند، و ایمان خود را با هیچ ستم (و شرک) نیالودند، ایمنی تنها ویژه آنهاست؛ و آنها هدایت یافتگان اند.² (مکارم شیرازی، 1375)، ج 10، ص 195)

5. ترس از خدا:

یکی دیگر از نکاتی که در این مصحف شریف، به عنوان عامل تامین امنیت معنوی به آن اشاره شده، خوف از خداوند است، در این باره حضرت می‌فرماید: «وَ مَنْ خَافَ آمِنَ» (حکمت/ 208)؛ کسی که از خدا بترسد ایمن باشد. حضرت در این حکمت به این مسئله اشاره میکنند که هر کس خواهان امنیت و آرامش است باید خائف باشد. منظور امام از خوف همان خوف از عدالت و مجازات های عادلانه خداست، که سپری در برابر انواع بلاها است، (رک: مکارم شیرازی، 1375) ج 13، ص 601 و 602) چرا که فرد را مجبور به تلاش در جهت نجات از آن خواهد کرد (رک: ابن میثم، 1375)، ج 5، ص 591) و در آن صورت آسوده و ایمن خواهد بود.

همچنین حضرت، دلی را که از حق تعالی خوف داشته و لرزان باشد را مستحق دعا دانسته و برای آن دل، طلب اطمینان و پایداری کردند: «رُيْبَطَ جَنَانٌ لَمْ يُفَارِقُهُ الْخَفَقَانُ» (خطبه/ 4)؛ قلبی که از ترس خدا لرزان است، همواره پایدار و با اطمینان باد! ابن میثم می‌گوید علت اینکه خائفان دارای اطمینان دل هستند، اطاعت از خدا و دوری شان از اعمالی که خداوند از آن نهی کرده است، می‌باشد. (رک: ابن میثم، 1375)، ج 1، ص 541) امام در این عبارت مردم را تشویق به مقام خائفین می‌کند و به آنها حال خوب در دنیا و آخرت وعده می‌دهند. (رک: املی، 1355)، ص 255)

² . انعام، آیه ۸۲.

6. رضایت حق متعال:

در نهج البلاغه یکی دیگر از عواملی که برای تامین امنیت معنوی عنوان شده است، رضایت و خشنودی حق متعال است. حضرت می فرمایند: « وَ رِضَاهُ أَمَانٌ وَ رَحْمَةٌ » (خطبه/ 160)؛ و خشنودی او مایهٔ امنیت و رحمت است. در واقع این ایمنی بخشی خدا، ریشه در علم او نسبت به طاعت و بندگی عبدش در برابر امور و نواهی الهی دارد، (مدرس وحید، (بی تا)، ج 10، ص 222) یعنی بنده هر چه قدر که طاعت خدا را به جا آورد خشنودی خدا شامل حالش خواهد شد و خشنودی خداوند از بنده، امنیت او را از عذاب آخرت، به همراه خواهد داشت. پس یکی از راهکارهای تامین امنیت معنوی، تلاش در جهت کسب رضایت حق متعال است تا از ترس ها و عذاب های آن دنیا خاطر جمع باشد.

امیرالمومنین (ع) در بیان ویژگی سالکان راه خدا، تاکید بر خشنودی خداوند از سالکان، به عنوان عاملی برای تامین امنیت معنوی بیان کرده اند، و به عبارتی حضرت امنیت معنوی و طمانینه دل را، بالاترین مرحله سلوک الی الله دانسته اند، ایشان چنین فرموده اند: « قَدْ أَحْيَا عَقْلَهُ وَ أَمَاتَ نَفْسَهُ حَتَّى دَقَّ جَلِيلُهُ وَ لَطَفَ غَلِيظُهُ وَ بَرَقَ لَهُ لَامِعٌ كَثِيرٌ الْبَرْقِ فَأَبَانَ لَهُ الطَّرِيقَ وَ سَلَّلَ بِهِ السَّبِيلَ وَ تَدَاقَعَتْهُ الْأَبْوَابُ إِلَى بَابِ السَّلَامَةِ وَ دَارِ الْإِقَامَةِ وَ تَبَتَّ رِجْلَاهُ بِطَمَائِنَةٍ بَدَنِيهِ فِي قَرَارِ الْأَمْنِ وَ الرَّاحَةِ يَمَا اسْتَعْمَلَ قَلْبَهُ وَ أَرْضَى رَبَّهُ » (خطبه/ 220)؛ عقلش را زنده کرد و نفس خویش را کشت، تا آنجا که جسمش لاغر، و خشونت اخلاقی به نرمی گرایید، برقی پر نور برای او درخشید، و راه را برای او روشن کرد و در راه راست او را کشاند و از دری به در دیگر برد تا به در سلامت و سرای جاودانه رساند، که دو پای او در قرارگاه امن با آرامش تن، استوار شد. این، پاداش آن بود که دل را درست به کار گرفت، و پروردگار خویش را راضی کرد. حضرت در این خطبه کوتاه لوازم سیر و سلوک الی الله را در چهار مورد بیان کردند که پایندی به امور، خشنودی خداوند و عاقبتی امن و آرام به همراه دارد. این چهار مورد عبارت اند از: 1. احیای عقل؛ یعنی تلاش و ریاضت برای بدست آوردن کمالات عقلی از قبیل دانش ها و معارف ها و ویژگی های اخلاقی (ابن میثم، (1375)، ج 4، ص 101) زو مشغول ساختن آن در عمارت عالم روحانی (شریف الرضی، (1378)، ج 2، ص 119). 2. کشتن نفس؛ یعنی مغلوب ساختن نفس اماره به طوری که کاری را جز با دستور عقل انجام ندهد (رک: ابن میثم، (175)، ج 4، ص 101) و به وسیله ریاضت ها و مجاهدت های علمی و عملی و از بین بردن هواهای نفسانی و شهوانی و غضبانی و تسلیم شدن برای عقل، اثری از آن نماند (نواب لاهیجی، (بی تا)، ص 195). 3. کنترل شکم: عارف و سالک تا به حدی نفس اماره را میرانده که کالبدش ضعیف و اندام او لاغر (ابن میثم، (175)، ج 4، ص 101) و با ترک شهوات... سبکبار شود. (مکارم شیرازی، (1375)، ج 8، ص 298). 4. نرمی

اخلاق: اینکه خلق و خوی خشن در پرتو ریاضت نفسانی به لطافت می‌گراید و تصفیه می‌شود. (رک: همان)

در برابر انجام این کارها، برقی پرنور برای او می‌درخشد، که راه را برای او روشن می‌سازد و او را به مسیر حق (سلوک الی الله) می‌برد (مکارم) و یک به یک مراحل سلوک را می‌گذراند تا اینکه به «باب السلامة» می‌رسد و آن مرحله، مرحله یقین و مصونیت از انحراف است و بعد به «دارالاقامه» می‌رسد که مرحله کمال سکون و طمانینه می‌باشد که در آن جا عارف به سبب به کار گرفتن قلب و روح خود در عبادت و جلب رضایت و خشنودی پروردگار متعال، گام‌هایش استوار شده است. (رک: ابن میثم، (1375)، ج 4، ص 103 و 104)

درواقع انسان در مسیر قرب الی الله همواره در معرض وسوسه‌های شیاطین جنّ و انس است و ترس از گمراهی وجود او را می‌لرزاند تا زمانی که ابرهای تیره و تار وسواس‌های نفسانی و شیطانی از آسمان روح او کنار رود و برق معرفه الله تمام وجودش را روشن سازد و آرامش جاودانی به او دست دهد و مفتخر به خطاب «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي» شود. (رک: مکارم، (1375)، ج 8، ص 300) و به نظر مولف، این درجه، بالاترین مقام امنیت معنوی می‌باشد.

7. قناعت:

از جمله عواملی که سبب تامین امنیت معنوی می‌شود، قناعت در متاع دنیا است. امیرالمومنین (ع)، در بیان نکوهش حرص به دنیا و دعوت به شکر و قناعت، چنین استدلال می‌کند: «اعْلَمُوا عِلْمًا يَقِينًا أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَجْعَلْ لِلْعَبْدِ وَإِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَ اشْتَدَّتْ طَلِبَتُهُ وَ قَوِيَتْ مَكِيدَتُهُ أَكْثَرِمِمًا سُمِّيَ لَهُ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ وَ لَمْ يَحُلْ بَيْنَ الْعَبْدِ فِي صَعْفِهِ وَ قَلَّةِ حِيلَتِهِ وَ بَيْنَ أَنْ يَبْلُغَ مَا سُمِّيَ لَهُ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ وَ الْعَارِفُ لِهَذَا الْعَامِلُ بِهِ أَعْظَمُ النَّاسِ رَاحَةً فِي مَنْفَعَةٍ وَ النَّارِكُ لَهُ الشَّاكُّ فِيهِ أَعْظَمُ النَّاسِ سُغْلًا فِي مَصْرَّةٍ» (حکمت/ 273)؛ به یقین بدانید! خداوند برای بنده خود هر چند با سیاست و سخت‌کوشی و در طرح و نقشه نیرومند باشد، بیش از آنچه که در علم الهی وعده فرمود، قرار نخواهد داد، و میان بنده، هر چند ناتوان و کم‌سیاست باشد، و آنچه در قرآن برای او رقم زده حایلی نخواهد گذاشت، هر کس این حقیقت را بشناسد و به کار گیرد، از همه مردم آسوده‌تر است و سود بیشتری خواهد برد و آن که آن را واگذارد و در آن شک کند، از همه مردم گرفتارتر و زیانکارتر است. ایشان به این مطلب توجه میدهند که آنچه علم خداوند بدان تعلق گیرد، حتما اتفاق می‌افتد، و آنچه علم الهی تعلق نگیرد، اتفاق نمی‌افتد ناگزیر برای هیچ‌کسی از قوی و ضعیف روزی، جز آنچه خداوند متعال، به قلم قضا در ذکر حکیم و لوح محفوظ مقدر کرده است، نخواهد بود (ابن میثم، (1375)، ج 5، ص 649) پس نتیجه می‌گیرند که هرکس به این حقیقت عمل کند آرامش بیشتری خواهد داشت چرا که افراد

حریص دائماً برای رسیدن به آنچه برایشان مقدر نشده دست و پا می‌زنند، پیوسته در زحمت اند و روحشان در عذاب و جسمشان هم خسته و ناتوان است، و آرامش قلب ندارند و به عکس، آن‌هایی که به مقدرات الهی قانع هستند، نه حرص و آز بر آن‌ها غلبه میکند و نه پیوسته در تلاش و عذاب و زیاده‌خواهی هستند. (رک: مکارم شیرازی، (1375)، ج 4، ص 298) و این نوع آسایش، هم آسایش قلبی و هم آسایش بدنی است، پس بالاترین آسایش است و برای این که با منفعتی همراه است، امام (ع) ارزش این نوع آسایش را مورد تأکید قرار داده است. (ابن میثم، (1375)، ج 5، ص 649)

و همچنین در جای دیگر در بیان نکوهش دنیا فرمودند: «لَا خَيْرَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَرْوَادِهَا إِلَّا التَّفَوُّي - مَنْ أَقَلَّ مِنْهَا اسْتَكْتَرَّ مِمَّا يُؤْمِنُهُ وَ مَنْ اسْتَكْتَرَّ مِنْهَا اسْتَكْتَرَّ مِمَّا يُؤْبِقُهُ» (خطبه/ 111)؛ در زاد و توشه آن (دنیا) جز تقوا خیری نیست. کسی که به قدر کفایت از آن بردارد در آرامش به سر می‌برد، و آن کس که در پی به دست آوردن متاع بیشتری از دنیا باشد وسائل نابودی خود را فراهم کرده (است). حضرت با تأکید اینکه در دنیا توشه ای برتر از تقوا نیست، توصیه به قناعت در مال دنیا به اندازه کفاف می‌کنند تا در آرامش باشند و از هلاکت و فنا، ایمن بمانند. مکارم شیرازی در شرح این کلام حضرت، قناعت را به این سبب عامل امنیت خاطر می‌دانند که چون کسی فزونی از مال دنیا را طلبد، باید برای حفظ این فزونی خود را در معرض آفات فراوان قرار دهد و عوامل بدبختی خود را فراهم می‌سازد. (رک: مکارم شیرازی، (1375)، ج 5، ص 31) و مدرس وحید در شرح این فراز از نهج البلاغه می‌گوید: هر که بسیار بردارد از دنیا همانا بسیار برداشته از آنچه هلاکش خواهد کرد، یعنی بسیاری متاع دنیا، موجب کثرت هلاکت خواهد شد از آنجا که در حلالش حساب و در حرامش عقاب است. (رک: مدرس وحید، (بی تا)، ج 7، ص 323)

8. تشریح به دین اسلام:

همچنین امام (ع)، اسلام را به عنوان مسئله ای امنیت آور معرفی می‌نمایند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَعَ الْإِسْلَامَ ... فَجَعَلَهُ أَمْنًا لِمَنْ عَلِقَهُ وَ سِلْمًا لِمَنْ دَخَلَهُ ... وَ ثِقَةً لِمَنْ تَوَكَّلَ وَ رَاحَةً لِمَنْ قَوَّضَ وَ جَنَّةً لِمَنْ صَبَرَ» (خطبه/ 106)؛ ستایش خداوندی را سزاست که راه اسلام را گشود ... و آن را پناهگاه امنی برای پناه برندگان، و مایه آرامش برای وارد شوندگان قرار داد ... آرامش دهنده تکیه کنندگان، راحت و آسایش توکل کنندگان، و سپری نگهدارنده برای استقامت دارندگان است. یعنی اگر کسی به اسلام آویزد در دنیا، از قتل و مال و ناموسش و در آخرت از عذاب الهی در امان می‌باشد. (رک: ابن میثم، (1375)، ج 3، ص 54 و مدرس وحید، (بی تا)، ج 9، ص 7، ص 128) و از آنجایی که اسلام دارای وعده های گرانقدر خداوند متعال می‌باشد، مایه اطمینان توکل کنندگان و سپری برای ناامنی های صبر کنندگان در عمل به آن خواهد بود. (رک: ابن میثم، (1375)، ج 3، ص 55) به این معنا که هر کسی توکل کند و راهی را بخواهد برود، اسلام سبب وثوق اوست و موجب می‌شود اطمینان و آرامش پیدا کند. (منتظری، (1383)، ج 4، ص 514) و می‌بایست در مشکلات و سختی‌ها صابر

باشد، آن وقت اسلام هم او را حفظ می‌کند که به پرتگاه سقوط نکند و وارد دوزخ نشود. (رک: همان) در واقع، انسان خواهان اطمینان و آرامش و امنیت است و تمام اینها در عمل به برنامه‌های اسلامی حاصل می‌شود. (مکارم، 1375)، ج 4، ص 473)

9. قرآن کریم:

امیرالمومنین قرآن را نیز به عنوان عامل ایمنی بخش معرفی کردند: «قَائِلُهُ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَ سَبَبُهُ الْأَمِينُ» (خطبه/ 176) که قرآن ریسمان استوار خدا، و وسیله ایمنی بخش است. چرا که با انجام دادن دستورات قرآن، از ضلالت و عذاب الهی در امان خواهند بود و با تمسک به آن به صراط مستقیم می‌توان رسید. (مدرس وحید، بی تا، ج 11، ص 175) و قرآن واسطه‌ای است در میان خلق و خالق که هیچ‌گونه خطا و اشتباه در آن راه ندارد و آن چه در آن است، حقّ خالص است. (مکارم شیرازی، 1375)، ج 6، ص 593) در واقع قرآن برای پیمون راه سعادت خیال انسان را راحت می‌کند و دیگر ترس ضلالت نخواهد داشت.

10. تهیت و سلام:

امام میفرمایند: «فَرَضَ اللَّهُ ... السَّلَامَ أَمَانًا مِنَ الْمَخَافِ» (حکمت/ 252)؛ و «سلام» کردن را برای امنیت از ترس‌ها واجب کرد. منظور از «سلام» در این جا همان سلام کردن است که هرگاه کسی به دیگری سلام کند مفهومش این است که هیچ‌گونه قصد آزار و اذیت او را ندارد و هنگامی که شنونده سلام را با سلام پاسخ می‌گوید مفهوم آن نیز این است که از ناحیه او خوف و ضرری برای سلام کننده موجود نیست. (مکارم شیرازی، 1375)، ج 14، ص 102)

نتیجه:

1. در مقاله حاضر، امنیت معنوی به عنوان مهمترین سطح امنیت و زمینه ساز دیگر سطوح امنیت معرفی شده است و مفهوم امنیت معنوی با توجه به کلام امیرالمومنین عبارت است از اینکه: مومن اگر چه به ترس‌ها و ناآرامی‌ها و مشکلات دنیا دچار می‌شود ولی قلباً با اتکا به مدد الهی، دارای اطمینان نفس و آرامش درونی خواهد بود و هیچ اضطراب و واهمه‌ای را به خود، راه نخواهد داد.

2. امیرالمومنین (ع) تقوا را «دارالحصینه» نامیدند که نفس انسان را در حصار خود قرار میدهد و او را در دنیا از گناهان و در آخرت از عقاب الهی در امان نگه می‌دارد و زندگی‌اش توأم با آرامش خواهد بود.

3. با علم به توحید افعالی و اینکه تنها خداست که با قدرت نامحدودش هرگونه توانی را دارد، مومن در همه امور با طاعت و بندگی به ساحت خداوند پناه می‌جوید و خداوند همه مشکلات و ناآرامی‌هایش را برطرف میکند.

4. خوف از خداوند بدین سبب که موجب طاعت از خدا و ترک معاصی در جهت نجات از عذاب الهی می شود، مایه امنیت معنوی مومنان است.

5. خشنود کردن پروردگار از خود با مجاهدت ها و ریاضت های علمی و عملی و تلاش مومن در جهت رام کردن نفسش، موجب رسیدن به بالاترین درجه امنیت معنوی، یعنی مقام «دارالاقامه» می شود، که مرحله کمال سکون و طمانینه قلب می باشد.

6. مومن از آنجا که می داند تمام امور در تصرف قدرت کامله خدا و به دستور او و به قضا و قدر اوست، تمام امور زندگی خود، اعم از مشکلات و ناآرامی های خویش را به او می سپرد و با توکل به او، هیچگاه احساس تنهایی و غربت نمی کند.

7. حضرت دعا را نیز برگرداننده بلاها می داند، از این رو مومن با دعا، قدم در تامین امنیت معنوی خود بر می دارد.

8. اسلام و قرآن نیز از آن رو که دارای دستورالعمل های سعادت بخش هستند، با انجام برنامه ها و قوانین شان، مایه اطمینان و سپر ناامنی های عاملان به آن هستند.

9. در گفتمان نهج البلاغه، قناعت نیز از راهکارهای تامین امنیت معنوی معرفی شده است چرا که وقتی مومن بر مقدرات الهی قانع باشد، از تلاش بیهوده و خستگی جسم و عذاب روحش در کسب و حفظ آن فزونی، مصون است و هم از حساب و عقاب آن زیاده طلبی، در امان است. همچنین آسایش قلبی و بدنی برای او به همراه دارد.

10. «سلام کردن» هم از آن جهت که حامل پیام امنیت از تعدی و ظلم از ناحیه سلام دهنده به مخاطب سلام است، از دیگر راهکارهای تامین امنیت به شمار می آید.

منابع و مأخذ

قرآن

نهج البلاغه

ابن میثم، میثم بن علی، (1375)، **ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم**، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.

اخوان کاظمی، بهرام، (1388). «احیاگری ایمان الهی و حیات مومنانه، زمینه ساز و راه برد دولت مهدوی»، **مشرق موعود: سال 3**، شماره 11، 106_101

اخوان کاظمی، بهرام، (1389)، «تعریف، جایگاه و نقش مفهوم امنیت در دانش سیاسی اسلامی»، **کمیسیون تخصصی علوم سیاسی اسلامی: سال 2**، شماره 56، 119_87

خان احمدی، اسماعیل، (1391). «امنیت پایدار در نظام سیاسی اسلام از منظر نهج البلاغه»، **فصلنامه آفاق امنیت: سال 5**، شماره 15، 149_187

خوزین، حسن، (1399). «امنیت فردی از دیدگاه قرآن»، **فصلنامه علمی امنیت ملی: سال 10**، شماره 35، 35_62

دولتی، کریم، (1391). «امنیت اجتماعی از منظر امیرالمومنین علی (ع)»، **فروع وحدت: سال 8**، شماره 29، 123_115

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (1412ق)، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه.

شریف الرضی، محمد بن حسین، (1378)، **تنبيه الغافلین و تذکرة العارفين**، تهران، پیام حق.

شیخ کلینی، محمد بن یعقوب، (1407ق)، **اصول کافی**، تهران، دار الکتب الإسلامیة.

عمید، حسن، (1389)، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران، راه رشد.

مدرس وحید، احمد، (بی تا)، **شرح نهج البلاغه**، (بی جا)، (بی نا).

مصطفوی، حسن، (1360)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران،
بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مکارم شیرازی، ناصر، (1375)، **پیام امام امیرالمومنین علیه السلام**،
تهران، دارالکتب الاسلامیه.

منتظری، حسینعلی، (1383)، **درس های از نهج البلاغه**، تهران، سرایی.

نواب لاهیجی، محمد باقر ابن محمود، (بی تا)، **شرح نهج البلاغه**، تهران،
اخوان کتابچی.